

نگاهی به کتاب "وسوسه این بود ... " نوشته: نسرين پرواز

"بهت"

پس دیوار و انجماد  
تجاوز را پذیرفت.

اما،

چه بی خبر بود:

از سحرگاهِ فردا،

ساکي کوچک،

شیربها،

... و

بهت مادر.

تیر ۱۳۶۳

\*

"سال سیاه"

سال شصت تا شصت و هفت،

سال قحطی شرم، از حجم وقاحت

سال مُرس و خون

سال کسوف

... سال بی باران

سال انجمادِ ستاره و ماه

سال سکوتِ نرگس و شمشاد

سال غارت گل و دفنِ پرستو

سال داس و تبر

سال شکستن قامتِ سرو و صنوبر

سال رونق خاوران

سال پرده دری گرگ و رقص شغال

سال پای کوبی ابلیس، برقامت دریا

سال مرگ، مرگ های بی سنگ

سال ۶۰ تا ۶۷

سال سیاه، سال کوچ

سال بغض و خون و نفرت

سال نکبت . . .

زمستان ۱۳۶۷

\*

نسرین نازنین

اول باید، استعداد و خلاقیتی را که در نوشتن داری به تو تبریک گفت. ادامه بده، که کار، کاری ماندگار است. وبعد باید گفت: خسته نباشی، چه زیبا و ساده و روان، گوشه ای از تاریخ مستند این برهه از زندگان و زندگی پررنج مردمان این مرز و بوم مصیبت زده و بلاکش را نشان داده ای. توصیف ها همه خوب و ملموس اند و احساس ها همه زلال و رقیق. دردناک و حقیقی .

همان گونه که گفתי مرگ بی خبر را راحت می شود تحمل کرد. اما زمانی که مرگ در آستانه ایستاده است و تو را به نام صدا می زند، هضم و تحمل آن بس دشوار است. تصمیم گیری، لحظه ی دردناکی است. آن هم در مکان و فضایی که سالها، با انواع شکنجه و تخریب شخصیت، روی ساکنان آن کار شده است. جایی که انسانیت واژه ای بیگانه است. حالا برای آدمی، با جسم و جانی چنین جراحی شده، انتخاب بین مرگ و زندگی، مثل لحظه ی ایستادن بر لبه ی تیغ است .

در "بودن یا نبودن . " وسوسه تمام قد ایستاده است. افعی برای بلعیدن دهان گشوده است. آرزوها و آرمان ها و عشق ها، پشت دیوارهای ستبر صف کشیده و زمزمه سرداده اند. لحظه ها، سنگین تر از سنگینی کوه های اوین و قفل ها و زنجیرهای گوهردشت و دیگر زندان ها در برابر ایستاده است و نمی توانند بگذرند. پاهای زمان و دقایق از کار افتاده است .

"بودن یا نبودن . "

کسی می اندیشد: آیا مرگ آغاز مبارزه است؟ و قلبی می گوید: ارزش آدمی در زنده ماندن است تا گرمی مبارزه به خاکستر تبدیل نگردد .  
سپاس که دراجاق ، هنوز گرمی آتشی هست .  
به نظر می رسید در متن کتاب پراکندگی ای بین زمان ها و مکان هایی که زندانی در آن حضور داشته است وجود دارد که این کمی از انسجام و کشش آن می کاست. اما کار، کلاً کار با ارزشی است. موفق باشی.

ا. ش.

۱۶/۹/۱۳۸۷